

سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال جرایم کیفری خرد در پرتو راهبرد تسامح صفر با تأکید بر حقوق کیفری ایران و امریکا

حسین آقایی نیا^۱

بهروز جوانمرد^۲

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۶

تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۲۹

چکیده

افزایش قابل ملاحظه بزهکاری در اوایل دهه هفتاد میلادی در ایالات متحده آمریکا، دولت فدرال را بر آن داشت تا برای کاهش آن تدابیر نوینی را بیندیشد. این تصمیم باعث پیدایی نظریه‌های جدیدی مانند «عدالت استحقاقی» و «نظریه پنجره‌های شکسته» در جرم‌شناسی گردید. در این مسیر، از اوایل دهه نود میلادی، نظریه پنجره‌های شکسته به خلق راهبردی پلیسی به نام «سیاست تسامح صفر» منجر گردید. بدین سان، دولت فدرال آمریکا به همراه برخی ایالات در چهارچوب مدیریت ریسک جرم با اتخاذ سیاست تسامح صفر، تلاش نمودند تا برای معمای جرم، راه حل جدیدی ارائه دهند. در سیاست کیفری نظام جمهوری اسلامی ایران راهبرد «تسامح صفر» را می‌توان در طرح موسوم به «ارتقای امنیت اجتماعی» مشاهده نمود. در این مقاله مبانی نظری ظهور این راهبرد در سیاست کیفری آمریکا و ایران و ارزیابی نتایج عملی اتخاذ این سیاست مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها:

سیاست تسامح صفر/ جرایم خرد/ سیاست کیفری سخت‌گیرانه/ پنجره‌های شکسته/ طرح ارتقای امنیت اجتماعی.

۱- دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۲- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

پس از یک دوره تحقیقات متعدد جرم شناسانه و اجرای سیاست کیفری^۱ مبتنی بر اصلاح و درمان بزهکار، متولیان سیاست کیفری برخی از کشورها به ویژه آمریکای شمالی بدین نتیجه رسیدند که از زمان جابجایی گرانیگاه نظام عدالت کیفری، از توجه به میزان، شدت و وخامت عمل مجرمانه به شخصیت و انگیزه‌های مرتکب آن، حقوق کیفری، صبغه و جنبه‌های اجتماعی- پزشکی- درمانی به خود گرفته است. (صفری، ۱۳۸۸: ۱۰۹) به دنبال چنین تغییری، نه تنها صلابت‌سزا دهندگی و قدرت بازدارندگی مجازات‌ها، تضعیف شده، بلکه اصل تناسب میان جرم و کیفر نیز تا اندازه زیادی متزلزل گردیده است. به عبارت دیگر، از رهگذر تئوری‌های مبتنی بر بیمار تلقی نمودن مجرمان، جنبه ارباب عمومی مجازات‌ها، کارکرد واقعی خود را ازدست داده و موجبات تجربی مجرمان به عادت و حتی بالقوه، فراهم آمده است. به علاوه ناتوانی نظام عدالت کیفری در مهار پدیده مجرمانه، احساس ناامنی فزاینده‌ای را در میان شهروندان قانون مدار، رقم زده و دیوار بی‌اعتمادی بلندی را میان جامعه و حکومت، به وجود آورده است. بر همین اساس، تقاضای مردم برای رجعت به مجازات‌های شدید و سرکوبگر فزونی یافته است. این ادعا موجب گردید تا کارکرد اصلی نظام کیفری از اصلاح مداری به سزاکرایی تغییر یابد و تضمین کیفرهای حتمی و قطعی بر اساس یک معادله ساده از تناسب میان قبح اخلاقی جرم و استحقاق و شایستگی مرتکب آن برای دریافت یک پاسخ کیفری متناسب با آن، دغدغه اصلی نظام عدالت کیفری گردد. این بازگشت به حتمیت و قطعیت برخورد با مرتکبان، موسوم به مکتب «نئو کلاسیک جدید» (New - Neo Classicism)، همه جرایم حتی رفتارهای نابهنجار اجتماعی را نیز در بر گرفته و عدم اغماض در برابر

۱- گفتنی است منظور از سیاست کیفری در این نوشتار، مجموعه قواعد حقوقی کیفری است که واکنش دولت نسبت به جرایم و مجرمان را سازمان می‌دهد. به عبارت دیگر سیاست کیفری در این معنا، چاره‌اندیشی درباره جرم با کمک کیفر است و این تعبیر با مفهوم سیاست جنایی به معنای سازمان بخشیدن به مبارزه علیه بزهکاری با استفاده از طرق مختلف به صورت یک مجموعه سازمان یافته تدابیر کیفری و غیر کیفری که توسط نهادهای دولتی و غیر دولتی برای پیشگیری از جرم و انحراف اتخاذ می‌گردد، متفاوت است.

اعمالی که پیش از این، نوعی انحراف تلقی می‌شده به جایی رسید که اغلب چنین انحرافات نیز اکنون عنوان مجرمانه با ضمانت اجرای کیفری پیدا نموده است. چنین سیاستی به ویژه از ابتدای دهه هفتاد میلادی تحت تأثیر نظریات جرم شناسان آمریکایی^۱ به تدریج سراسر دنیا را فرا گرفت و الگوهای آمریکایی مقابله با جرم، الهام بخش سیاست گذاران کیفری، تقنینی و قضایی بسیاری از کشورها گردید. (Harrower-1998-65) یکی از این راهکارها، که برگردان عملی نظریه پنجره‌های شکسته^۲ «جیمز.کیو.ویلسون و جورج.ال.کلینگ» است، راهبرد یا سیاست «تسامح صفر» (Zero Tolerance Policy) در قبال جرایم خُرد^۳ نام دارد که هم اکنون قریب ۳۰ سال از قدمت آن در ایالات متحده آمریکا و با تجربه کمتر در کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و آلمان می‌گذرد. اتخاذ راهبرد پلیسی تسامح یا تحمل صفر در قبال جرایم خُرد، موج جدید مهندسی سازمان پلیس در دنیا را به راه انداخت که هم اکنون بعد از گذشت بیش از ربع قرن از ابداع آن، برخی جلوه‌های آن را می‌توان در سطح پلیس خاور میانه و از جمله ایران مشاهده نمود. (Wilson-1982-37) بازتاب این نگرش جدید به مقوله «حفظ نظم» و «کیفیت زندگی»، آگاهانه یا ناآگاهانه به گفتمان مدیران تقنینی و اجرایی ایران نیز راه پیدا نموده، به طوری که در سال ۱۳۸۵ در راستای برخورد با جرایم مخل نظم و امنیت اجتماعی، طرحی موسوم به «طرح ارتقای امنیت اجتماعی» در سراسر کشور به اجرا درآمد که محتوای آن با الگوی آمریکایی حفظ نظم در پاره‌ای موارد انطباق دارد.

این مقاله در دو بخش کلی ارائه شده است: در بخش (اول)، مفهوم جرایم خُرد و اصطلاح تسامح صفر در بند (الف) همچنین مبانی نظری و خاستگاه عملی سیاست تسامح صفر در بند (ب) بیان خواهد شد. سپس در بخش (دوم)، در بند (الف) ضمن

۱- مطابق آموزه‌های یکی از مشهورترین این نظریات، به نام «مجازات‌های استحقاقی یا عدالت کیفری استحقاقی» **Just Deserts Theory**. میزان مجازات بر اساس نوع و شدت جرم، فارغ از تناسب آن با شخصیت مرتکب یا هدف اصلاح و درمان وی تعیین می‌شود.

2- Broken Windows Theory

3- Petty Offense

بیان تعیین مصادیق سیاست تسامح صفر در سیاست کیفری تقنینی-اجرایی و قضایی نظام حقوقی ایران و آمریکا، در بند (ب) در خصوص محاسن و معایب اتخاذ این راهبرد سخت‌گیرانه در قبال جرایم خُرد سخن خواهد رفت. در انتها نیز ضمن نتیجه‌گیری در قالب چند پیشنهاد مواردی در جهت بومی کردن این راهبرد با توجه به واقعیات جامعه ایران بیان خواهد شد.

بخش اول. جرایم خُرد: چرایی مقابله با این جرایم و مبانی نظری- عملی شکل‌گیری سیاست تسامح صفر

در این بخش ابتدا در بند (۱) به طور مختصر در خصوص مفهوم و تعریف جرایم خرد و مبنای تفکیک این جرایم از جرایم غیر خُرد به ویژه در حقوق کیفری ایران و چرایی برخورد با این جرایم مطالبی بیان می‌شود، سپس در بند (۲) پس از تبیین مفهوم تسامح و اصطلاح تسامح صفر، مبنای نظری و خاستگاه عملی پیدایش سیاست تسامح صفر در ادبیات حقوق کیفری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف- مفهوم و تعریف جرایم خُرد و چرایی مقابله با این جرایم

هنگامی که واژه جرم شنیده می‌شود؛ غالباً اعمالی مانند سرقت، قتل، کلاهبرداری به عنوان مصادیق آن به ذهن متبادر می‌شود در حالی که تعداد زیادی از جرایم مانند توهین، فحاشی، برهم زدن نظم عمومی، رانندگی بدون پروانه، مزاحمت برای نوامیس، عدم رعایت حجاب شرعی و جرایمی دیگر از این قبیل هستند که هر روز در سطح جامعه اتفاق می‌افتند با این همه، این جرائم آن چنان که باید مورد بحث قرار نمی‌گیرند و چندان توجهی به آنها نمی‌شود. با وجود این، امروزه مسئله افزایش این گونه کجروی‌ها که از آنها در حقوق کیفری به جرایم خُرد یاد می‌شود در کنار دیگر معضلات اجتماعی به یکی از عوامل گسترش «احساس ناامنی» در میان مردم تبدیل شده است. (نوروزی، ۱۳۸۴(الف): ۲۵۹) برای درک بهتری از مفهوم جرایم

خرد، باید دید که به چه جرایمی عنوان خرد اطلاق می‌شود و معیار تفکیک آنها از جرایم بزرگ و شدید کدام است. (جوانمرد، ۱۳۸۷: ۹)

در اغلب فرهنگ‌های لغات حقوقی، جرم خرد این‌گونه تعریف شده است: «جرایمی که دارای مجازات حبس کمتر از یک سال یا جزای نقدی اندک هستند» (نوروزی، ۱۳۸۴(ب): ۵۵) از طرفی در ادبیات حقوقی انگلیسی و فرانسه اصطلاحی با عنوان «بی نزاکتی‌ها یا بی‌ادبی‌های عمومی»^۱ وجود دارد که منظور از آن جرایم کوچک و کم اهمیت مانند سرقت‌های خرد و مصرف مواد مخدر در پارک‌ها و انظار عموم و یا خط کشیدن و نقاشی‌های روی دیوارها (دیوارنویسی) یا جلوه فروشی روسپی‌ها در کنار خیابان‌ها و نظایر اینها، می‌شود. این اعمال و رفتارهای هر چند ناچیز و بی‌اهمیت، احساس امنیت را مخدوش می‌کند. (نجفی ابرند آبادی و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۹) از دیدگاه جرم‌شناسی، جرایم خرد رفتارهایی هستند که بسیار نزدیک به کثرتفارتی‌هایی هستند که پاسخ اجتماعی دارند اما به دلایل مختلف و براساس ضرورت، قانون‌گذار برای آنها مجازات کیفری تعیین کرده است. (نوروزی، ۱۳۸۴(الف): ۲۶۸) با وجود این، تعیین معیاری برای تشخیص جرایم خرد در حقوق کیفری ایران موضوع پیچیده‌ای است. یکی از راه‌های تشخیص جرایم خرد در حقوق کیفری ایران که نگارندگان برای تفکیک این جرایم از جرایم شدید و بزرگ مناسب دانسته‌اند، توجه به میزان مجازات تعیین شده از سوی قانون‌گذار است. بعد از انقلاب اسلامی مبنای طبقه‌بندی جرایم تغییر یافت. با توجه به اینکه جرایم مشمول حدود، قصاص و دیات را نمی‌توان با معیارها و مشخصات جرایم خرد منطبق دانست، از همین رو، در این مقاله از طرفی به جرایمی که دارای مجازات تعزیری و بازدارنده هستند بسنده شده و از طرف دیگر مبنای جرم خرد در بخش تعزیرات و بازدارنده، میزان حبس و جزای نقدی و البته صلاحیت رسیدگی شوراهای حل اختلاف در نظر گرفته شده است. توجه به عنصر مادی سیاهه جرایم تعزیری در

حقوق کیفری ایران و نحوه تعیین صلاحیت رسیدگی مراجع قضایی به ویژه پس از تصویب قانون شوراها حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۸ حاکی از آن است که فلسفه جرم انگاری در جرایمی که دارای مجازات حبس کمتر از سه ماه حبس یا جزای نقدی کمتر از سی میلیون ریال هستند بیش از آنکه به منافع فردی یا حفظ اموال توجه داشته باشد غالباً معطوف به حفظ نظم عمومی است. (جوانمرد، ۱۳۸۸: ۴) قانون گذار با جرم انگاری رفتارهایی نظیر توهین و فحاشی، عدم رعایت حجاب شرعی، حمل آلات قمار و از این قبیل در قانون مجازات اسلامی و همچنین برخی جرم انگاری‌های خاص مانند شروع به شکار حیوانات وحشی عادی یا حمایت شده بدون پروانه و... بیشتر در پی ایجاد یک نظم در زندگی شهروندان است. شاید علت مشابهت جرایم خرد در نظام‌های مختلف نیز این باشد که جرایم خرد اصولاً با ارزش‌های اساسی و بنیادین کشورها و نظام‌های سیاسی مرتبط نیستند بلکه به حفظ نظم عمومی، یعنی موضوع مشترک میان تمام جوامع اختصاص دارند. به همین دلیل است که - همان گونه که خواهیم گفت- در کشور آمریکا که مبتنی بر یک نظام غیر مذهبی است و کشور ایران که دارای یک نظام مذهبی است، به طور مشترک با جلوه فروشی و زننده پوشی و زنان خیابانی برخورد یکسانی می‌شود. با توجه به توضیحات فوق دو معیار اصلی برای تشخیص جرایم خرد به دست می‌آید. اولاً جرایم خرد آن گروه از جرایم هستند که دارای مجازات حبس کوتاه مدت و یا جزای نقدی با مبالغ اندک می‌باشند. ثانیاً جرایم خرد بیشتر در حوزه نظم عمومی زندگی در شهرها و خصوصاً کلان شهرها مورد توجه قرار می‌گیرد.

در حقوق کیفری، تا حدود پنجاه سال گذشته، جرایم خرد موضوع مطالعات گسترده‌ای نبوده‌اند، اما در دهه‌های اخیر به ویژه از اواخر دهه ۶۰ میلادی، مطالعات جرم شناختی اهمیت جرایم خرد و تأثیر آن را بر سطح زندگی در شهرها و احساس امنیت شهروندان تا حدودی روشن کرده است. رفته رفته این دیدگاه مطرح شد که ارتکاب این قبیل جرایم نیز موجب می‌گردد که نظم عمومی جامعه خدشه دار شود که این خود مقدمه بروز تنش‌های اجتماعی و جرایم مهم‌تر خواهد بود. سرانجام این

دیدگاه تبدیل به نظریه‌ای با عنوان پنجره‌های شکسته شد که راهبرد تسامح صفر، جلوه عملی این نظریه می‌باشد.

ب. مبانی نظری و خاستگاه عملی سیاست تسامح صفر

در این قسمت ابتدا معنای لغوی تسامح و سپس اصطلاح تسامح صفر تشریح شده، در ادامه به صورت کوتاه در خصوص تاریخچه اجرای این سیاست مطالبی بیان می‌شود.

۱. واژه شناسی تسامح

تسامح در لغت به معنای آسان گرفتن و مدارا کردن و تساهل به معنای سهل گرفتن بر یکدیگر یا آسان گرفتن است. (معین، ۱۳۷۵: ۱۰۷۸) همچنین تساهل را به معنای «به آسانی و نرمی با کسی برخورد کردن» تعبیر نموده‌اند. (فیروزآبادی، ۱۳۷۹: ۵۸۳) «تسالم» به معنای تلاش برای ارائه نوعی زندگی آرام و بدور از هر نوع نزاع و کشمکش است و در اصطلاح حقوقی، از آن به عنوان «حُسنِ همجواری» یاد می‌شود. (فولادی، ۱۳۷۸: ۵۶) امروزه معادل هر سه واژه کلمه Tolerance می‌باشد که از ریشه لاتینی Tolero به معنای تحمل کردن، اجازه دادن و ابقاء کردن است. (اسلامی، ۱۳۸۱: ۱۵) در فرهنگ علوم سیاسی، کلمات مدارا، تساهل، بردباری، تحمل آراء دیگران، رواداری و داشتن سعه صدر را در ترجمه Tolerance آورده‌اند. اما «تسامح»، در اصطلاح به معنای «تحمل یکدیگر و کنار گذاشتن سلیقه‌ها است» و «تساهل» به معنای توانایی هر فرد یا هر جامعه برای تحمل عقایدی است که با نظر آن فرد یا جامعه همخوانی ندارند. (راعی، ۱۳۸۱: ۱۰۶) به رغم معنای لغوی متفاوت دو واژه تسامح و تساهل، امروزه هر دو اصطلاحاً به یک معنا و در کنار یکدیگر به کار می‌روند.

۲. اصطلاح شناسی تسامح صفر

تسامح صفر، اصطلاحی در حقوق کیفری است که برای تشریح سیاست اجرای قانون موضوعه به صورت غیر اختیاری و غیر صلاح‌دیدگی به کار می‌رود. به نظر عده‌ای، این اصطلاح به معنی اجرای قانون به روش خشونت بار و منسجم، بدون در نظر گرفتن هیچ گونه «اغماضی» است. (Dixon, 2003-221) برخی دیگر، این اصطلاح را به معنی یک راهبرد پلیسی حفظ نظم می‌دانند که به عنوان بخشی از مجموعه رویکردهای سخت‌گیرانه برای مبارزه با جرم در مناطق خاص محسوب می‌شود (Grabosky, 1999-24) در متون خارجی برای اصطلاح تسامح صفر تعاریف ذیل ارائه شده است: «خط مشی یا راهبرد عدم تحمل نسبت به رفتارهای نامطلوب از قبیل اعمال خشونت آمیز یا مصرف مواد مخدر غیر قانونی از طریق تحمیل غیر ارادی ضمانت‌های اجرایی شدید برای ارتکاب اولین جرایم^۱» یا «نابردباری مفرط نسبت به رفتارهای مخالف آداب اجتماعی به صورت استفاده غیر قابل انعطاف و مصالحه ناپذیر قانون^۲» یا «استنکاف از پذیرش رفتار ضداجتماعی، نوعاً از طریق اجرای سخت‌گیرانه، غیر قابل انعطاف و بدون اغماض قانون (Clear, ۲۰۰۰-۴۹۶) با توجه به تعاریف فوق می‌توان گفت: تسامح صفر به معنای اعمال راهبردهای انضباطی اجباری برای رفتارهای ضداجتماعی است که افراد متصدی اجرای این راهبردها (معمولاً پلیس)، ملزم هستند در قبال افرادی که مقررات از پیش تعیین شده برای حفظ نظم را نقض می‌کنند، بدون توجه به شدت عمل و قصد مرتکبین، واکنش نشان داده و مجازات‌های اجباری را اعمال نمایند. در حوزه عملکرد پلیس، «تسامح صفر» بدین معنی است که تشکیلات پلیسی باید قانون را بدون دخالت شخصی و تصمیم‌گیری اختیاری، به طور کامل به مورد اجرا گذارند.

1-The American Heritage(2000),Dictionary of the English Language, Fourth Edition copyright, Houghton Mifflin Company. Updated in 2003.p.1708,
2- WordNet,(2005)PrincetonUniversity, www.princeton.edu

۳. مبانی نظری راهبرد تسامح صفر

راهبرد تسامح صفر را می‌توان متأثر از نظریه فایده گرایی ژرمی بنتام، دانست. بنتام عقیده داشت: «هر فرد، حتی به طور ناخودآگاه، بنا بر محاسبه خوبی (نفع لذت) و بدی (رنج و ناراحتی) حاصل از کردار خود، امور خویش را اداره می‌کند و اگر دریابد که نتیجه عملی که از آن سود می‌برد کیفر خواهد بود، در آن صورت این اندیشه با نوعی قدرت وی را از ارتکاب آن عمل باز می‌دارد. به این ترتیب، بزهکار، از یک عقلانیت کیفری برخوردار است، بنابراین مجازات‌ها می‌بایست مدرج باشند به نحوی که میزان رنج آوری به وسیله نظام عدالت کیفری ترس آور جلوه نماید و از این رهگذر در برابر کسب سود و منفعتی که شخص ممکن است از ارتکاب فعل مجرمانه نصیبش شود، جنبه بازدارندگی پیدا نماید» (پرادل، ۱۳۸۱: ۶۵). این ایده که به نام «نظریه حسابگری کیفری»^۱ مطرح شده با ایده راهبرد «تسامح صفر» در برابر جرم که معتقد است جرایم شدید و سنگین می‌تواند با سخت‌گیری نسبت به بی‌نظمی و بی‌مبالاتی و جرایم خرد کاهش یابد، دارای قرابت است.

۴. خاستگاه عملی راهکار تسامح صفر

تسامح صفر به عنوان یکی از مصادیق جنبش‌های بازگشت به کیفر به ویژه در سیاست کیفری کشورهای غربی، تمهیدی است که توسط نومحافظه کاران آمریکا ابداع و ترویج شد. (کاشفی اسماعیل زاده، ۱۳۸۴: ۲۵۵) در دهه ۱۹۶۰ بی‌نظمی‌های شهری در آمریکا یک مسئله اساسی به شمار می‌آمد. دانشمندان علوم اجتماعی شروع به بررسی دقیق نقش پلیس در برقراری نظم عمومی نمودند و همچنین در بهبود این نقش پیشنهادهایی ارائه کردند نه تنها به این خاطر که خیابان‌ها را امن‌تر نمایند، بلکه با این هدف که خشونت‌های دسته جمعی را کم کنند. اما جرایمی که در اوایل ۱۹۶۰ شروع شده بود در طی این دهه کاهش نیافت و با روندی روبه افزایش

به دهه ۱۹۷۰ کشیده شد. بنابراین نقش مبارزه با جرایم توسط پلیس مورد توجه قرار گرفت. در این هنگام، وجود یک برنامه منسجم در زمینه مدیریت شهری و کنترل جرم بیش از هر زمان دیگر احساس می‌گردید. به این ترتیب بود که پیش از طرح راهبرد تسامح صفر، نظریه «پنجره‌های شکسته» مطرح شد. «جیمز کیو ویلسون و جرج ال. کلینگ» در مقاله‌ای با همین عنوان که در سال ۱۹۸۲ در ماهنامه «آتلانتیک مانثلی» منتشر کردند، این نظریه را این گونه مطرح نمودند: «محل‌هایی که به نشانه‌های کوچک انحطاط و بی‌نظمی، توجهی نمی‌کنند، در واقع در را به روی جرایم مهم می‌گشایند. یک پنجره شکسته تعمیر نشده، علامت آن است که کسی به آن اهمیت نمی‌دهد و بنابراین، شکستن پنجره‌های بیشتر نیز، هزینه‌ای برای مرتکبان به همراه ندارد^۱». نظریه پنجره‌های شکسته حدود ۳۰ سال پیش ارائه شد و نخستین بار در سطح محلی توسط شهردار نیویورک، «رودولف گیلیانی» مورد توجه قرار گرفت. وی با استفاده از این نظریه سعی کرد نظم اجتماعی نیویورک را سر و سامان بدهد، از این رو، نیاز به فردی مقتدر داشت تا به آموزه «پنجره شکسته» چهره عملی ببوشاند. این شخص کسی نبود جز سربازرس پلیس «ویلیام براتون» که راهبرد «تسامح صفر» را ملهم از نظریه پنجره شکسته ابداع نمود و با این کار، میزان ارتکاب جرایم در «سیب بزرگ^۲» را در طی دوره شهرداری «گیلیانی» به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش داد (غلامی، ۱۳۸۴: ۱۰۰).

به این ترتیب، تفکر «پنجره‌های شکسته» برای اولین بار در نیویورک، جایی که میزان جرایم مهم در آن در طی ۳۰ سال گذشته به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است، به صورت سیاست تسامح صفر جلوه عملی به خود گرفت و به مرحله اجرا درآمد. هم اکنون، بسیاری از رهبران سیاسی و فرماندهان نهاد پلیس در دنیا، از ساز و کارهای راهبرد «تسامح صفر»، که «ویلیام براتون» در نیویورک ابداع نمود و در عنوان مقاله اش هم به کار برد، استفاده می‌نمایند. (Bratton-1998-320) با این

1-Wilson & Kelling, Op.Cit., Pp. 35-37

۲- گفتنی است سیب بزرگ لقب شهر نیویورک است.

توصیف در بخش دوم این مقاله به نحو اختصار، جایگاه و جلوه‌های تقنینی و قضایی این سیاست در حقوق کیفری ایران و آمریکا بیان شده و در ادامه به نقد نظری و تحلیل آثار و پیامدهای اعمال این سیاست پرداخته می‌شود.

بخش دوم: جایگاه راهبرد تسامح صفر در حقوق کیفری ایران و آمریکا و نقد و ارزیابی پیامدهای آن

در این بخش در بند (الف) برخی از مهم‌ترین جلوه‌های تقنینی ماهوی و شکلی و همچنین نمودهای قضایی تسامح صفر در حقوق کیفری ایران و آمریکا بیان شده و در بند (ب) به نقد و تحلیل نظری و ارزیابی پیامدهای عملی اجرای این سیاست پرداخته می‌شود.

الف- جایگاه سیاست تسامح صفر در سیاست کیفری تقنینی ماهوی و شکلی

با بررسی حقوق کیفری ایران و آمریکا در دو گستره ماهوی و شکلی می‌توان جلوه‌های تسامح صفر را بسته به نوع نگاه هیأت حاکمه هر کشور در قبال برخی رفتارها مشاهده نمود.

۱. تسامح صفر در حقوق کیفری ماهوی

در این قسمت برخی از مهم‌ترین جلوه‌های سیاست تسامح صفر در قانون مجازات فدرال آمریکا و قانون مجازات اسلامی ایران به عنوان شاخص‌ترین قانون کیفری هر کشور (حسب مورد به صورت مزجی) بیان می‌شود. افزون بر این، با توجه به موضوع این نوشتار، به سایر قوانین پراکنده هر دو کشور نیز اشاره‌ای می‌شود:

پوشش و آرایش

در نظام کیفری ایران بعد از انقلاب به نظر می‌رسد، گفتمان قانون‌گذار کیفری در امر پوشش مردم، گفتمانی بر مبنای ایدئولوژی با رویکردی امنیت‌گرا باشد زیرا از یک سو در جهت دفاع از حجاب به عنوان ضرورتی دینی و امری واجب تأکید

می‌شود و از سوی دیگر به پاسداری از دستاوردهای سیاسی انقلاب به حفظ ظواهر جامعه اسلامی از پوشش‌های با فرهنگ وارداتی، همت گماشته شده است. در تبصره ماده ۶۳۸ ق.م.ا. مقنن ایران «عدم داشتن حجاب شرعی» را جرم انگاری کرده و برای آن مجازات حبس در نظر گرفته است. (اسدی، ۱۳۸۴: ۷۵) از طرفی در ایالات متحده، جایی که آزادی بیان توسط اصلاحیه اول قانون اساسی تضمین شده است، قوانین بسیار کمی وجود دارد که استفاده از ظواهر و پوشش خاصی را ممنوع نماید. مثلاً در بند هفتم قانون حقوق مدنی سال ۱۹۶۴ آمده است: «در صورتی که اجرای فرایض دینی توسط کارمندان به همراه پوشش مذهبی آنان، موجب خدشه دار شدن امنیت و سلامت محیط کار گردد و یا سبب گردد تا همکاران کارمندی که به اجرای فرایض دینی خود می‌پردازند، مجبور به بر عهده گرفتن وظایف و مسئولیت‌های او گردند و یا در تعارض با قوانین و مقررات دیگر باشد، آنگاه کارفرمایان ملزم به فراهم آوردن امکانات و شرایط لازم برای اجرای فرایض مذهبی نیستند».

روابط جنسی غیر قانونی

مقنن ایران بعد از انقلاب، با رویکرد تسامح صفری نسبت به روابط خصوصی افراد به برخی جرم انگاری‌ها در قلمرو روابط به ویژه جنسی در مواد ۱۲۳ (برهنه در زیر یک پوشش قرار گرفتن دو مرد بدون ضرورت)، ۱۲۴ (بوسیدن از روی شهوت)، ۱۳۴ (برهنه در زیر یک پوشش قرار گرفتن دو زن بدون ضرورت) و ۶۳۷ (اعمال منافی عفت دونِ زنا) ق.م.ا. اقدام نموده و به این ترتیب قلمرو آزادی‌های فردی را تا حد زیادی تحدید کرده است. در آمریکا روابط جنسی مبتنی بر رضایت افراد بزرگسال، آزاد است مگر تحت شرایطی که توسط مقنن جرم و قابل مجازات دانسته شده است. در عین حال پیرامون آنچه که از نظر مقنن آمریکایی جرایم جنسی شدید و خشن نامیده می‌شود، قوانین سخت و غیر قابل تسامحی نیز وجود دارد. یکی از نمونه‌های

جدید آن، قانون مبارزه با تجاوزات جنسی در زندان‌ها مصوب جلسه صد و هشتم کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۳ نام دارد.^۱

تخلفات رانندگی تحت تأثیر الکل

جرایم و تخلفات رانندگی در ایران و ایالات متحده یکی از دغدغه‌های اصلی نگرانی خانواده‌ها و از اولویت‌های مهم مطالبات شهروندان جهت برخورد و مبارزه با آن از سوی حکومت است. (رضایی، ۱۳۸۳: ۱۴۰) تنها در سال ۲۰۰۳ بیش از ۱۷۰۰۰ نفر در تصادفات ناشی از استعمال نوشیدنی‌های الکلی کشته شدند که این رقم ۴۰ درصد کل حوادث رانندگی در آمریکا را شامل می‌شود. بیش از ۵۰۰۰۰۰ آمریکایی سالانه در تصادفات مربوط به استعمال مشروبات الکلی، مورد جراحت واقع می‌شوند و هزینه سالانه اقتصادی تصادفات ناشی از مصرف الکل، چیزی بیش از ۱۱۴ میلیارد دلار است. (Daniels-2003-7) از آنجایی که در ایران، شرب خمر اصولاً دارای مجازات خاص از نوع (حدّ) است، بحث در مورد میزان غلظت الکل در خون در زمان رانندگی موضوعاً منتفی است. اما در ایالات متحده با اینکه مصرف الکل منع شرعی ندارد اما به موجب قوانین فدرال و ایالتی، افراد زیر سن ۲۱ سال نباید الکل را خریداری یا مصرف کنند، بنابراین مقنن فدرال و ایالتی به جهت احترام به دغدغه خانواده‌ها و حفظ نظم اجتماعی، قوانین گاه شدیدی را در قبال شرب خمر به طور کلی و شرب خمر پیش از تصدی وسایل نقلیه^۲ به ویژه در مورد جوانان به تصویب رسانده است.

۴-۱ حمل اسلحه

از اواسط دهه ۱۹۸۰ تا اوایل دهه ۱۹۹۰ هرچند میزان دستگیری پیرامون جرایم نوجوانان ثابت ماند، با این حال، افزایش چشم‌گیری در دستگیری‌های نوجوانان به

1-Prison Rape Elimination(2003),Public Law 108-79, 108th Congress of the United States of America,Page 117 STAT. 972, Sept.4

۲- به این وضعیت، رانندگی تحت نفوذ الکل، Driving Under the Influence، گفته می‌شود.

خاطر آدمکشی با اسلحه گرم وجود داشت. دلایل متعددی برای این موضوع مطرح شده است از جمله آن‌ها، افزایش باندها، افزایش استفاده از کوکائین و کراک (که خود ناشی از افزایش تقاضا برای این دو بود) و سهولت دسترسی به اسلحه‌ها را می‌توان نام برد. در پاسخ به این امر، کنگره آمریکا، قانون (تسامح صفری) مدارس بدون اسلحه را در سال ۱۹۹۴ تصویب کرد که به موجب آن، همه ایالات ملزم هستند که دانش‌آموزان مسلح را حداقل برای یک سال تحصیلی اخراج نمایند. در نتیجه در تمامی ۵۰ ایالت آمریکا، راهبرد مدارس بدون اسلحه^۱، به مرحله اجرا درآمد. (Taranto-2001-14) در ایران به موجب قانون لایحه قانونی مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سرد و اخلاف در نظم و امنیت و آسایش عمومی مصوب ۱۳۳۱، صرف حمل هر نوع اسلحه سرد در اماکن و معابر عمومی هر چند که دارنده به داشتن آن تظاهر نکند، مجازات حبس تأدیبی برای مرتکب به دنبال داشت و حتی بازپرس موظف بود که متهمان این جرم را بازداشت نماید که تا پایان دادرسی بازداشت ادامه داشت و قابل شکایت نیز نبود. این دیدگاه همچنین در قانون لغو مجازات شلاق مصوب ۱۳۴۴ مورد تأکید مقنن پیش از انقلاب قرار گرفت^۲. پس از انقلاب، مقنن در تبصره ماده ۶۱۴ ق.م.ا. وجود چاقو در ضرب و جرح عمدی را به عنوان کیفیت مشدده اما با مجازاتی نه چندان شدید، تلقی نمود. همچنین در ماده ۶۱۹ همین قانون، مزاحمت و قدرت نمایی با چاقو مستوجب مجازات حبس به همراه مجازات بدنی شلاق قرار داده است اما در خصوص حمل چاقو یا هر گونه اسلحه سرد^۳ مقنن موضع مشخصی را اختیار ننموده است.

1-Gun-Free Schools Act

۲- به موجب بند (ج) این ماده واحده: درباره کسانی که به اتهام ارتکاب جرح یا قتل به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر مورد تعقیب قرار گیرند چنانچه دلائل و قرائن موجود دلالت بر توجه اتهام به آنان نماید قرار بازداشت صادر خواهد شد و تا صدور حکم ادامه خواهد داشت.

۳- گفتنی است مقنن در سال ۱۳۸۷ با الحاق یک تبصره به بند ۳ ماده ۶۵۱ ق.م.ا. به تعیین مصادیق انواع اسلحه سرد، گرم و شکاری اقدام نمود.

۱-۵ امور سمعی، بصری و رسانه‌ای

در ایران به موجب قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره مصوب ۱۳۷۳ استفاده کنندگان از این گونه تجهیزات به مجازات ده تا یکصد میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردند. از طرفی، تحقیقات نشان می‌دهد بخش وسیعی از شهروندان ایرانی به ویژه جوانان به استفاده از شبکه‌های اینترنتی برای دستیابی به پایگاه‌های حاوی موضوعات روابط جنسی می‌پردازند.^۱ بنابراین این وضعیت، هیأت وزیران را بر آن داشت تا راساً نسبت به استفاده آزاد شهروندان از اینترنت، واکنش نشان داده و آیین‌نامه‌ای را در سال ۱۳۸۵ با عنوان ساماندهی فعالیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی از تصویب هیأت وزیران بگذرانند. از طرفی شیوع پدیده انتشار فیلم‌های خصوصی و خانوادگی اشخاص عادی و معروف در اینترنت و تلفن‌های همراه شهروندان در سالیان اخیر، مقنن ایرانی را بر آن داشت تا در دی ۱۳۸۶ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۷۲ را مورد حمایت کیفری شدیدتری تا مرز اعدام قرار دهد. (جوانمرد، ۱۳۸۶: ۲۲)

از طرفی در آمریکا، برای مقابله با ترویج فساد از طریق اینترنت، اقداماتی صورت پذیرفته که از آن میان می‌توان به تصویب لایحه پاکسازی ارتباطات، در کنگره آمریکا اشاره کرد، که بر اساس آن برای انتقال دهندگان تصاویر پورنوگرافی، مجازاتی تا ۲ سال حبس و ۵۰۰۰ دلار جریمه در نظر گرفته شده است.^۲ دولت پیشین آمریکا به ویژه بعد از سپتامبر ۲۰۰۱ با تسلط بر اداره تحقیقات فدرال و وزارت دفاع به استناد مقابله با تروریسم یا حداقل با همین پیش زمینه، شنود مکالمات شهروندان آمریکایی یا محدودیت‌های اینترنتی را به اجرا در می‌آورد.

۱- ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که میزان جستجوی ایرانی‌ها در سایت‌های غیر اخلاقی اینترنت در حال افزایش و به حد هشدار رسیده است. نک به: هرزه‌گردی اینترنتی در مرز هشدار، روزنامه ابتکار، شماره ۱۲۴۶، ۱۳۸۷/۴/۲۵
۲- مقایسه کنید با مواد ۱۵ و ۱۶ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و ماده ۱۰ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶

۲. تسامح صفر در حقوق کیفری شکلی

مقنن ایران با مبانی شرعی و گاه امنیتی و مقنن آمریکایی در آغاز با مبنای نظریه حفظ نظم اجتماعی و اخیراً با مبنای حفاظت از سرزمین^۱ در راستای اعمال سیاست تسامح صفر نسبت به انحرافات و جرایم خرد علاوه بر عنوان سازی‌های کیفری که در بند (۱) بیان شد، از مکانیزم‌های کیفری در جهت مضیق نمودن حقوق و آزادی‌های متهمان و محکومان در تمامی مراحل دادرسی استفاده می‌نمایند.

نخست: مصادیق عدم مدارا در مرحله پیش از دادرسی

۱. قاعده قانونی بودن تعقیب

مقنن ایرانی بعد از انقلاب در مورد روش تعقیب متهم، به نظام قانونی بودن تعقیب توجه داشته و در ماده دو ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۷۸ کلیه جرایم را دارای جنبه الهی عنوان نموده و موارد موقوفی تعقیب را بسیار مضیق احصاء نموده است و در خصوص اختیار دادستان مبنی بر تعلیق تعقیب با صلاحدید خود هم در قانون مذکور و هم در قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب موسوم به احیای دادرها سکوت اختیار نموده است. بنابراین به نظر می‌رسد هم اکنون در صورت تحقق عناصر تشکیل دهنده جرم، دادرها مکلف به تعقیب متهم می‌باشد و حق صرف نظر کردن از تعقیب را ندارد. از طرفی در قانون میهن پرستی آمریکا مصوب ۲۴ اکتبر ۲۰۰۱، مقام تعقیب از توسل به قاعده اقتضای تعقیب در مواردی که موضوع اتهام جرایم تروریستی می‌باشد ممنوع بوده و مکلف است تا پایان دادرسی به تحقیقات خود ادامه دهد.

۲. بازداشت موقت

بررسی قوانین دادرسی کیفری ایران نشان می‌دهد، مقنن در مواردی از اصول شناخته شده در قانون اساسی (اصول ۳۲ تا ۳۹) برای شهروندان عدول نموده است.

تأسیس قرار بازداشت موقت در مواد ۳۲، ۳۶، ۳۵ و ۱۳۲ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۷۸، که شدیدترین اقدام مقام قضایی به منظور دسترسی به متهم می‌باشد، یکی از این موارد است. این در حالی است که در نظام دادرسی ایران، در موارد بازداشت موقت متهم اعم از اختیاری یا اجباری، مدتی که در آن بایستی تحقیقات مقدماتی به پایان برسد، لحاظ نشده است. همچنین، ممنوعیت بازداشت موقت در جرایم با حبس کوتاه مدت مورد توجه مقنن نبوده و در عمل نیز، قرار بازداشت به صورت (موجه) آن گونه که ماده ۳۷ ق.آ.د.ک. اشاره نموده، صادر نمی‌شود. (آشوری، ۱۳۷۶: ۲۷)

در آمریکا بر خلاف آنچه در قانون اساسی این کشور مورد اشاره قرار گرفته، بر اساس طرحی موسوم به «ضد تروریسم و مجازات مرگ مؤثر»^۱ که در سال ۱۹۹۵ به قانون تبدیل شد، قوانین ناظر بر «قرار احضار زندانی»^۲ که به زندانیان حق می‌داد برای تجدید نظر در قرار بازداشت خود، مبارزه کنند، به شدت محدود شد. از طرفی بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ادبیات دولت فدرال نسبت به مفهوم حقوق بشر و حفظ امنیت ایالات متحده تغییر نمود. «جرج بوش» با استفاده زیرکانه از ترس ناشی از اعمال تروریستی پس از یازده سپتامبر، توانست دوباره آراء ریاست جمهوری را کسب نماید و شعار اعلان جنگ علیه تروریست‌ها توسط وی و همفکرانش نوعی میهن پرستی و نجات آمریکا تلقی می‌گردید.

۳. نقض حقوق دفاعی متهم

بعد از انقلاب اسلامی، خبرگان قانون اساسی با حسن نظر نسبت به حقوق دفاعی متهمان، حق داشتن وکیل را در اصل ۳۵ قانون اساسی مورد لحاظ قرار داده‌اند. در سال ۱۳۷۸ که ق.آ.د.ک. به صورت آزمایشی مورد تصویب قرار گرفت، انتظار می‌رفت مقنن، تحولات تقنینی دادرسی کیفری در راستای حمایت از حق دفاع و به ویژه حق

1 - Anti-Terrorism and Effective Death Penalty

۲ - Habeas corpus نوعی حکم احضار به دادگاه است که معمولاً به منظور حصول اطمینان از قانونی بودن بازداشت و زندان شدن شخص مظنون صادر می‌گردد.

انتخاب وکیل را مورد توجه قرار داده، صریحاً قاضی تحقیق (بازپرس) را مکلف به اعلام حق مزبور به متهم نماید، اما نه تنها موضوع تکلیف مقام تحقیق به اعلام حق داشتن وکیل در تحقیقات، به بوته فراموشی سپرده شد، بلکه با قیودی که در تبصره ماده ۱۲۸ ذکر گردید، نقش وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در حد یک مستمع تنزل داده شده است. همین دیدگاه در بند هفتم ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب مهرماه ۱۳۸۳ نیز لحاظ شده است.

در آمریکا به رغم آنکه به موجب کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۱ مصوب ۱۹۶۹ هر متهمی دارای حقوقی است که در مرحله کشف جرم بایستی مورد رعایت قرار گیرند، اما بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در مورد مظنونان جرایم موسوم به تروریستی می‌توان نوعی سیاست سخت‌گیرانه را در مرحله تحقیقات مشاهده نمود. «جورج بوش» در سال ۲۰۰۶ طرح جدیدی موسوم به رفتار خشن‌تر با مظنونان^۲ را به مجلس سنا تقدیم کرد. وی در این طرح در مورد بخشی از کنوانسیون ژنو در مورد چگونگی رفتار با بازداشت‌شدگان و محاکمه مظنونان به شرکت در اعمال تروریستی تعریفی جدید ارائه نمود.

دوم- تسامح صفر در مرحله دادرسی و صدور حکم

۱. تعلیق مجازات

مقنن ایرانی در ماده ۲۵ ق.م.ا. با سیاستی انعطاف‌ناپذیر، تعلیق اجرای مجازات را صرفاً در جرایم تعزیری و بازدارنده مجاز دانسته، قاضی را مخیر به اعمال تعلیق اجرای تمام یا قسمتی از مجازات دانسته است. به علاوه برخی شرایط مقرر در ماده ۲۵ ق.م.ا. نظیر بند چهارم، گویای رویکرد سختگیرانه مقنن ایرانی است.^۳ همچنین در ماده ۲۶، جزای نقدی چنانچه با دیگر تعزیرات همراه باشد قابل تعلیق نمی‌باشد. در

1 - American Convention on Human Rights

2 - So Tough On Suspects

۳- در این بند مقرر شده: «متهم سابقه محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دویست میلیون ریال نداشته باشد.»

نظام قضایی آمریکا، تعلیق آن گونه که در نظام حقوقی ایران پیش‌بینی شده، وجود ندارد، اما این تأسیس ریشه در تعلیق مراقبتی دارد. (هاشم بیگی، ۱۳۷۲: ۸۲) اما به ویژه از دهه نود به این سو در اکثر ایالات آمریکا ملهم از سیاست تسامح صفر جانشین‌های شدیدتری مانند تعلیق مراقبتی فشرده^۱ و پادگان‌های آموزشی—اصلاحی زندان شوک آور^۲ به وجود آمده‌اند. (آشوری، ۱۳۸۶: ۲۳) به علاوه به موجب فصل ۱۳ کتاب ۲۱ قانون جزای فدرال ایالات متحده اصلاحی ۲۰۰۶، در خصوص افرادی که اقدام به توزیع یا تولید موادمخدر در داخل یا نزدیکی مدارس و دانشگاه‌ها می‌نمایند، دادگاه نمی‌تواند محکوم علیه را در شرایط تعلیق مراقبتی یا تعلیق اجرای مجازات قرار دهد.^۳

۲. آزادی مشروط

قانون گذار ایران در ماده ۳۸ ق.م.ا.، دو شرط اصلی را برای اعطای امتیاز آزادی مشروط به محکوم، در نظر گرفته است: محکومیت حبس برای اولین بار و سپری شدن نیمی از مجازات حبس که به نظر می‌رسد شرط نداشتن سابقه محکومیت کیفری برای استفاده از آزادی مشروط اساساً زاید باشد زیرا اگر سایر شروط در اعطای آزادی مشروط تحقق پیدا کند تفاوت میان بزهکار بدوی و بزهکار ثانوی از لحاظ میزان استحقاق بی‌منا است. نکته دیگر آنکه برخلاف تبصره (۱۱) ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷ که محکومان به حبس دائم پس از گذراندن دوازده سال می‌توانستند از آزادی مشروط استفاده کنند، در ق.م.ا. به این قبیل محکومان اشاره نشده است. همچنین در موارد خاصی در ق.م.ا. نظیر (ماده ۲۰۱ حد سرقت در مرتبه سوم، ماده ۲۱۱ اکراه در قتل یا مجازات حبس ابد

1 - Intensive Supervised Probation

2 -Boot Camp/Shock Incarceration

3-For More Information,See:USCode,Title 21,Food And Drugs,01/02/2006

ممسک در قتل عمد^۱) که محکومیت‌های حبس ابد براساس آموزه‌های فقهی است از شمول آزادی مشروط خارج است.^۲

در آمریکا تا سال‌های دهه شصت میلادی، همه ایالات دارای نظام محکومیت‌های نامعین^۳ بودند. اما رشد روزافزون ترس از جرم و گرایش به ضرورت دست کشیدن از اندیشه بازپروری بازگشت به رویکرد سیاست کیفری را مبتنی بر شدت عمل و تأکید بر اجرای شعار «قانون و نظم» نسبت به جرم و مجرم و تمایل به ایجاد مجازات‌های ثابت و معین^۴ و چرخش از ایده بازپروری و رویکرد به مدل استحقاقی منجر شد. در نیمه دوم و اواخر دهه هفتاد، مقررات اجرای مجازات‌های معین در بیشتر ایالات به تصویب رسید. این اصول راهنما، طیفی از احکام یا مجازات‌های قابل صدور برای یک جرم و شرایط خاص آن را تعیین و توصیف می‌کند. در بسیاری از ایالات این روند، با الغاء و انحلال نهاد آزادی مشروط نیز همراه شد. (۷۰-۱۹۷۱، Inciardi) در این راستا، نهاد آزادی مشروط، یا به کلی ملغی و منحل شد و یا موارد استفاده از آن به شدت کاهش یافته یا اختیارات قضات و هیأت آزادی مشروط توسط کمیسیون صدور حکم محدود شده است. مثلاً به موجب تبصره ۸۶۱ فصل ۱۳ کتاب ۲۱ قانون فدرال آمریکا در جلوگیری و کنترل سوءمصرف داروها: «توزیع، حمل و یا تولید حداکثر پنج گرم مواد مخدر و روانگردان مجازات حداکثر ۲۰ سال زندان بدون امتیاز آزادی مشروط یا ۲۵۰,۰۰۰ دلار جریمه یا هر دو را به دنبال دارد».

۳. کیفرگرایی در رویه قضایی

با نگاهی به رویه قضایی ایران بعد از انقلاب می‌توان دریافت که دو نوع رویکرد در برخورد با بزهکاری در میان قضات وجود دارد. برخی از قضات معتقدند که برای

۱- در مورد مجازات ممسک و فلسفه آن، نک به: نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، جلد ۴۲، ص ۴۶، کتاب قصاص.

۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱ مورخ ۸۱/۱/۱۵ اداره حقوقی قوه قضاییه

۳- Indeterminate Sentence یا نظام محکومیت‌های نامعین، ابزاری است که امکان فردی کردن مجازات‌ها را فراهم می‌کند. در این نظام مجازات جرایم قابل انعطاف است. این نظام ناشی از اعتقاد به توانایی نظام عدالت کیفری جهت اصلاح و بازپروری بزهکار بوده است.

تأمین امنیت و آرامش جامعه و نیز برای حفظ آزادی‌های فردی، تنها راه حل مسئله بزهکاری و مشکل بزهکاران، برخورد کیفری محض با آنان است و کاربرد مفاهیم علوم انسانی و از جمله جرم‌شناسی و کیفرشناسی در این خصوص نه فقط مسئله را حل نمی‌کند، بلکه آن را پیچیده‌تر نیز می‌سازد. از طرف دیگر عده‌ای از قضات معتقدند که کیفرهایی که معقول باشند و نسبت به ارزش مورد حساسیت قانون‌گذار متناسب باشند و این تناسب با جرم مورد نظر و مباشران جرم، تناسب کیفی و ماهوی نیز داشته باشند، در مجموع، بازدارندگی بیشتری نسبت به کیفرهای صرفاً شدید دارند؛ یعنی معقول بودن کیفر می‌بایست همراه با قطعیت باشد و تناسب بین جرم و مجازات در قانون، توسط قاضی در مرحله اجرا نیز می‌بایست رعایت شود. از طرفی رویه دادگاه‌ها در مواجهه با برخی جرایم خُرد مثلاً استفاده از تجهیزات دریافت امواج ماهواره، یکسان نیست به گونه‌ای که گاه شعب دادگاه‌ها رویکرد انعطاف‌ناپذیری نسبت به تجهیزات دریافت امواج ماهواره داشته و گاه برخوردی معقول و متناسب با مرتکبین این گونه جرایم داشته‌اند.^۱

دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا نیز نسبت به موضوعاتی همگام با سیاست کیفری تقنینی، رویکرد تسامح صفر را اتخاذ نموده‌اند: به عنوان نمونه در پرونده وزارت مسکن و توسعه شهری علیه (پیرلی راکر^۲) در سال ۲۰۰۲ دیوان عالی ایالات متحده چنین رأی داده است: «امکان دارد که در برخی از موارد، مسئولان دولتی وزارت مسکن با شرایط واقعاً غیرعادی رو به رو شوند که در مذاکرات کنگره و در سرتاسر این اوراق به آنها اشاره شده و برای آنها اتخاذ سیاست تسامح صفر تنها راه خروج از بحران باشد.» همچنین با اینکه امضای قانون ممنوعیت سقط جنین در اواخر دوران بارداری^۳ در ۵ نوامبر ۲۰۰۳ توسط (جرج بوش) به نظر می‌رسید یک

۱- به عنوان نمونه، نک به: دادنامه ۷۲۳ مورخ ۷۴/۸/۲۵ شعبه ۷ دادگاه تجدید نظر استان تهران؛ همچنین، دادنامه ۱۲۵۸ مورخ ۷۴/۱۱/۱۲ شعبه ۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران.

2-Department Of Housing And Urban Development(2002),Petitioner v.Pearlie Rucker,and Oakland Housing Authority, the Supreme Court of the United States, March 19,

3 - Partial Birth Abortion Ban Act

پیروزی سیاسی برای طرفداران جنبش حمایت از زندگی باشد و با وجود اینکه این قانون توسط برخی از دادگاه‌های ایالتی و فدرال، خلاف قانون اساسی و حق تعیین سرنوشت اعلام شده بود، اما سرانجام، دیوان عالی آمریکا در سال ۲۰۰۷ در پرونده «گونزالس علیه کارهارت»^۱ بر آن صحنه گذاشت.

ب- تحلیل و ارزیابی پیامدها و نتایج سیاست تسامح صفر

باید اذعان داشت که اجرای راهبرد تحمل صفر در آمریکا و نتایج حاصل از آن همراه با چالش‌های نظری و عملی بوده است. بنابراین بیان نقایص و محاسن احتمالی این سیاست به طور نظری از یک سو و بررسی چالش‌های عملی اجرای آن از سوی دیگر موضوع قسمت (۱) این بخش را تشکیل می‌دهد، در ادامه در قسمت (۲) تلاش می‌شود ابتدا نتایج اجرای این سیاست ارزیابی شده و راهکارهایی که به نظر نگارنده جهت تعدیل و اصلاح این سیاست رسیده است بیان گردد.

۱. بازاندیشی نظری و عملی در سیاست تسامح صفر

سیاست تسامح صفر از منظر مباحث نظری دارای معایب و محاسنی است. از طرفی در بعد عملی، اجرای این سیاست، حقوق و آزادی‌های فردی را به چالش کشیده و حتی برخی عنوان می‌کنند که اجرای این سیاست در برخی مواقع به نقض رسالتش یعنی حفظ نظم اجتماعی منتهی می‌گردد.

نقد نظری محاسن و معایب راهبرد تحمل صفر

امروزه در آمریکا حتی اگر کسی با «سیاست تسامح صفر» هم آشنایی نداشته باشد، حداقل قبول دارد که معضلات پیچیده‌ای مانند روسپیگری، تکدی‌گری، ولگردی، دلالی مواد مخدر، شرب خمر توسط نوجوانان و امثالهم در حد قابل تحملی برای

1-Supreme Court Of The United States,(2007),Gonzales v. Leroy Carhart,certiorari to the united states court of appeals for the eighth circuit,No.5,p380.

جامعه نگه داشته شده است. امروزه هیچ ابهامی در این باره وجود ندارد که رهبری الهامبخش ویلیام براتون، تأثیر مستقیمی بر عملکرد اداره پلیس نیویورک و از این رهگذر، بر امنیت و کیفیت زندگی در بین شهروندان نیویورک، داشته است. به رغم محاسنی که برای سیاست تسامح صفر بر شمرده‌اند با این همه، نقایص و معایبی نیز برای این تدبیر پلیسی می‌توان بیان نمود. از جمله افزایش زیاد جمعیت کیفری زندان به طوری که در سال ۲۰۰۰ نیویورک در مقایسه با سال ۱۹۸۰، سه برابر زندانی بیشتری داشت. (Massing, ۱۹۹۸-۳۱) همچنین افزایش نگرانی‌های عمومی در سال‌های اخیر در مورد امنیت مدارس، باعث افزایش دستگیری دختران به خاطر جرایم خشونت بار، شده است و این نتیجه اعمال سیاست تسامح صفر می‌باشد که به صورت دستگیری‌های پیشگیرانه پلیس در واکنش به رفتارهای ستیزه جویانه فیزیکی یا تهدیداتی که در داخل یا نزدیک حیطات مدرسه اتفاق می‌افتد، جلوه می‌نماید. تحقیقات نشان می‌دهد، اعمال این راهبرد، منتهی به پدیده گسترش شبکه کنترل اجتماعی^۱ در مدارس شده است. این تمهید پلیسی در بُعد عملی نیز چالش‌های زیادی را برانگیخته است.

۱-۲. چالش‌های عملی سیاست تسامح صفر

سیاست تسامح صفر از زمان اجرای اولیه خود به عنوان یک راهبرد حفظ نظم تا کنون، تجربه حدود ۳۰ ساله‌ای را پشت سر گذاشته است. اما آن گونه که کانون وکلای آمریکا متذکر شده است، فقدان توجه به احساسات و وجدان جمعی در قوانین مربوط به سیاست تسامح صفر، سرانجام، چنین خواهد شد که تنها بخشی از اهدافی که این قوانین به خاطر آن اهداف، وضع شده‌اند، صورت عملی به خود بگیرند زیرا در عمل اجرای آن دچار چالش جدی می‌گردد. (McCord, ۲۰۰۷-۶۵) از مهم‌ترین این چالش‌ها، تحدید حقوق و آزادی‌های فردی و تهدید نظم و امنیت

عمومی است. به موجب تدابیر سیاست تسامح صفر، برای تحقق امنیت و رسیدن به بزهکاری به پایین ترین حد ممکن، همزمان باید دو اقدام جامع صورت گیرد: اولاً، دولت در جهت متوقف کردن فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه، آماج جرم را مصون و ایمن سازی کند. بنابراین اقدام اولیه، مصون سازی آماج‌های جرم (پیشگیری وضعی) خواهد بود؛ ثانیاً، برای دست یابی به محو بزهکاری باید هزینه ارتکاب به جرم را در جهت شناسایی و برخورد با مرتکبان، افزایش داد. بدین سان، اگر آماج‌های جرم، مصون شوند و از سوی دیگر هزینه‌های جرم برای مرتکبان بالا برود، آرامش نسبی برقرار خواهد شد. در پاسخ گفته شده در پیشگیری وضعی، مصون سازی آماج جرم، خود ممکن است به قیمت محدود ساختن شهروندان از حقوق و آزادی‌های مشروع شان صورت پذیرد به علاوه بزهکاران باهوش و مصمم می‌توانند تدابیر پیشگیرانه را دور بزنند. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۴: ۶۵)

چالش مهم دیگر در راستای اجرای سیاست تسامح صفر را می‌توان تهدید نظم و امنیت اجتماعی دانست. به این معنا که در رویکرد تسامح صفر، انتقادهای صنفی و تفاوت‌های رفتاری در حکم جرایم امنیتی و ملی تلقی شده و با برخورد امنیتی و شدید و قهر آمیز، توأم با سرکوبی، مواجه خواهند شد. این در حالی است که در هر جامعه‌ای، بدون استثناء، اعتراضات صنفی و تفاوت در انتخاب وجود دارد که با برخورد منطقی و اخلاقی نیز امکان حل شدن آنها وجود دارد و هرگز نباید با آنها به صورت پیچیده و سخت و خشن برخورد کرد، زیرا برخورد امنیتی با یک رفتار اجتماعی نابهنجار چه بسا آن مسئله را به یک بحران امنیت ملی تبدیل کند. به این ترتیب اجرای سیاست تسامح صفر علاوه بر تحدید حقوق و آزادی‌های مشروع فردی از آنجا که به خاطر افزایش نیروهای پلیس در سطح شهر، چهره نظامی به شهر می‌بخشد می‌تواند تهدید کننده نظم و امنیت عمومی تلقی شود.

۲. ارزیابی نتایج تسامح صفر و راهکارهای اصلاحی

از آنجا که سیاست کیفی سخت‌گیرانه در آمریکا مبتنی بر نظریه‌های علمی همچون (پنجره شکسته) بوده و از سویی سازمان‌های مردم نهاد نیز به طور شفاف به نقد این

تدابیر مبتنی بر تسامح صفر می‌پردازند، بنابراین با سهولت بیشتری می‌توان پیرامون ارزیابی نتایج حاصل از اجرای این سیاست در آمریکا سخن گفت. اما در ایران، اولاً نهادهای دولتی، نظارت پذیر نبوده و نیستند از همین رو، تا کنون هیچ نهاد مدنی در ایران وجود نداشته است که به ارزیابی مثلاً سازمان پلیس پرداخته باشد و یافته‌های خویش را به سهولت در اختیار رسانه‌ها و مردم قرار دهد، ثانیاً، پژوهشگران به لحاظ آماری در مضیقه قرار دارند و نهادهای دولتی نیز از در اختیار قرار دادن آمار جرم و جنایت در سراسر کشور یا یافته‌های پژوهش‌های علمی انجام شده، به نهادهای علمی اجتناب می‌ورزند، بر همین اساس، اجرای برخی تدابیر پلیسی همانند طرح موسوم به ارتقای امنیت اجتماعی تنها بر اساس نظرسنجی‌ها و یافته‌های درون سازمانی به اجرا در آمده و جزئیات آنها هیچ‌گاه در دسترس عموم قرار نگرفته و پس از مدتی از اجرای آنها از موفقیت این گونه طرح‌ها و رضایت‌مندی مردم سخن رانده می‌شود، با این توصیف، ارزیابی علمی نتایج اعمال تدابیر مبتنی بر سیاست تسامح صفر در ایران بسیار دشوار خواهد بود.

۲-۱. ارزیابی نتایج اجرای تسامح صفر در ایران و آمریکا

هر چند که نمی‌توان به سهولت از موفقیت یا عدم موفقیت مطلق این راهبرد پلیسی در سراسر آمریکا سخن گفت، اما اعمال این سیاست در برخی شهرها مانند نیویورک دارای نتایج مثبت بوده، در عین حال در برخی شهرها مانند سانفرانسیسکو نیازی به اجرای این تدبیر احساس نمی‌شده است. در نیویورک وقتی که براتون در سال ۱۹۹۴ پست ریاست پلیس این شهر را به عهده گرفت، مشکلات این شهر به حد اعلای خود رسیده بود. وی ۷۰۰۰ مأمور جدید از سال ۱۹۹۰ برای انجام سیاست تسامح صفر، استخدام نمود. اجرای سیاست تسامح صفر منتهی به افزایش ۲۵ درصدی دستگیری‌ها شد، اما میزان ارتکاب جرایم شدید به ویژه از نوع خشونت آمیز، به میزان قابل توجهی، کاهش یافت. البته همزمان، منتقدین، جستارهایی را درباره اعداد و ارقام منتشر شده در مورد موفقیت تسامح صفر ایراد کرده‌اند. در سال ۱۹۹۸ روزنامه

نیویورک تایمز گزارش داد که: اتهامات مربوط به ارائه آمار غیر واقعی جرایم در گزارش پلیس فیلادلفیا، نیویورک و آتلانتا؛ نتیجه‌اش استعفا و یا تنزل درجه افسران پلیس عالی رتبه آن شهرها بود. متروی نیویورک، محل اولین موفقیت و گیلیانی و براتون، نیز شامل این موارد بود، رئیس اداره حمل و نقل پلیس به اجبار استعفا کرد زیرا میزان ارتکاب جرم را در مترو تا دو درصد کمتر از میزان واقعی آن نشان داده بود. (نوروزی، ۱۳۸۴ (ب): ۱۹۶) از طرفی برخی جرم شناسان آمریکایی نیز در رد اغراق گویی پلیس نیویورک در کاهش میزان جرایم به واسطه اتخاذ راهبرد تحمل صفر دلایلی را برای کاهش میزان جرم در دهه نود میلادی بیان نمودند. از جمله: تداوم دوران رشد اقتصادی در ایالات متحده در دهه نود و ماهیت در حال تغییر بازار داروهای مخدر در این دوران، ثابت ماندن بازار تجارت کوکائین و کاهش متناوب منازعات بین باند‌های مواد مخدر، بالا رفتن سن نسل دوران انفجار جمعیت فراسوی دوره سنی مساعد برای ارتکاب جرم، تلاش‌های منسجم و همه جانبه، به خصوص در مناطق کلان شهری، برای محدود کردن دسترسی نوجوانان و جوانان به سلاح‌های گرم، همکاری و تشریک مساعی رو به رشد پلیس با جامعه محلی، محکومیت‌های طولیل‌المدت به ویژه در مورد مرتکبان جرایم خشونت آمیز و تکثر برنامه‌های پیشگیرانه از جرم به ویژه برنامه‌های مداخله کننده زودهنگام برای نظارت بر اعمال و رفتار کودکان.

از طرفی در ایران به دلایلی که ذکر گردید میزان موفقیت یا عدم موفقیت یک طرح توسط نهادهای دولتی اعلام می‌گردد و تمامی نظر سنجی‌ها درون سازمانی است بنابراین در این قسمت از اعداد و ارقام ارائه شده توسط مسئولان و نهادهای رسمی استفاده نموده و به تحلیل نتایج آن پرداخته می‌شود. با توجه به یافته‌های پژوهش‌های انجام شده، می‌توان گفت سیاست «شدت عمل در مقابل جرم» مقنن ایرانی و شعار «مجازات بیشتر، تکرار جرم کمتر» در قبال جرایم مواد مخدر و مقوله اعتیاد با موفقیت روبه‌رو نبوده است. (اکبری، ۱۳۷۹: ۱۲۳) در رابطه با رویکرد سخت‌گیرانه در سالیان اخیر طرحی موسوم به «طرح ارتقای امنیت اجتماعی» به

اجرا درآمد که در خصوص نحوه اجرا و نتایج آن بحث‌های فراوانی صورت گرفت. در خصوص اینکه آیا اجرای چنین طرح‌هایی توجیه علمی دارد یا خیر، بحث‌های زیادی انجام شده است، اما سازمان‌های مجری این طرح به استناد نظر سنجی‌هایی که خود انجام داده بودند، از حمایت اکثریت مردم از اجرای چنین طرحی سخن می‌گفتند^۱. همچنین در خصوص نوع برخوردها نیز اختلاف نظرهای زیادی وجود داشت به نحوی که رئیس نهاد عدالت کیفری ایران بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و عدم مداخله در حوزه درمان تأکید می‌کند^۲ اما پلیس به عنوان ضابط قضایی و مجری قانون از برخوردهای شدید و قهر آمیز حمایت می‌نماید. در هر حال این طرح تا مدتی قبل از انتخابات دهم ریاست جمهوری به نحو متمرکزی در سراسر کشور اجرا می‌گردید و سازمان پلیس نیز به تناوب از رضایت‌مندی آحاد مردم از اجرای این طرح، آمار و ارقام گوناگونی ارائه می‌نمود که مبتنی بر نظر سنجی‌های درون سازمانی این نهاد دولتی بود.

۲-۲. راهکارهای اصلاحی

به طور خلاصه کاهش مداخله حقوق کیفری در رفتارهای نابهنجار اجتماعی، تحدید جرم انگاری‌های افراطی و غیر ضرور، جرم انگاری بر اساس انتظارات و مطالبات عمومی جامعه، توجه نظام تقنینی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی نظیر فقر، اعتیاد، بی‌کاری از طریق انسجام‌بخشی به وظایف نهادهای متولی این امر، عدم تلاش مقنن برای تغییر نگرش مردم با توسل به روش‌های قهر آمیز و سزاگرایانه، احترام به خواسته اکثریت و اقلیت جامعه مطابق با قانون اساسی، ترویج فرهنگ تحمل و تسامح به جای ترویج فرهنگ عدم تحمل و عدم تسامح از طریق جرم زدایی و حبس زدایی، کاهش مصلحت‌گرایی مقنن از طریق عنوان سازی‌های مجرمانه نوین را

۱- نک به: حمایت ۸۴ درصد مردم از طرح امنیت اجتماعی؛ نتایج نظرسنجی اداره کل مطالعات اجتماعی معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا، روزنامه بصیرت، شماره ۱۳۸۶/۶/۲۷، ۲۳، ۴

۲- نک به: هاشمی شاهرودی، محمود، انتقاد به شیوه برخورد با بانوان، روزنامه اعتماد، شماره ۱۳۷۵، سه شنبه، ۴ اردیبهشت ۱۳۸۶، ص ۱

می‌توان به عنوان راهکارهای اصلاحی در جهت تعدیل سیاست‌های کیفری تقنینی ارائه نمود. از منظر سیاست کیفری قضایی، به نظر می‌رسد، برخی از مصادیق رفتاری که در آمریکا و ایران مورد واکنش کیفری قرار گرفته است، بیشتر با حوزه سیاست اجتماعی در ارتباط باشد بنابراین نباید برخی بی‌نزاکتی‌ها، ضد امنیتی و سیاسی تلقی گردد. همچنین افزایش نظارت بر نحوه رفتار کنشگران دستگاه قضایی با شهروندان، پیش‌بینی حق شکایت با تعیین شعب ویژه برای جبران خسارت آسیب دیدگان از تجاوزات و سوء رفتار پلیس و مقامات قضایی، استفاده از پلیس محلی برای پیشگیری و حفظ نظم، پیش‌بینی ضمانت اجراهای شدید برای برخورد با متخلفان و ناقضان حقوق و آزادی‌های قانونی شهروندان، استفاده ساز و کارهای کیفری فردگرایانه نظیر تعلیق مراقبتی و تعویق تعقیب در جرایم خرد را می‌توان به عنوان راهکارهای اصلاحی رویکرد سخت‌گیرانه در سیاست کیفری قضایی، ارائه نمود. (فدایی شهری، ۱۳۸۵: ۶۶)

نتیجه‌گیری

سیاست تسامح صفر، تدبیر نوآورانه‌ای است که دولت و پلیس آمریکا قریب به ۳۰ سال آن را اتخاذ نموده و اجرا می‌نمایند. این مفهوم بیش از آنکه به معنی سخت‌گیری و شدت در کیفر یا برخورد قهرآمیز پلیس با متخلفین باشد، گویای نوعی سیاست عمومی نظارت و کنترل بر بی‌نظمی‌های اجتماعی و جرائم خرد است.^۱ دولت فدرال آمریکا و به تبع آن برخی ایالات از یک سو در پی کسب نتایج ضعیف رویکرد اصلاح و درمان نسبت به مجرمان و از سوی دیگر، افزایش بزهکاری در اواخر دهه ۶۰ میلادی و با الهام از نظریه پنجره شکسته، راهبرد تسامح صفر را ابداع و اجرا نمودند، نظام تقنینی ایران در مقابل، بدون تبعیت از یک راهبرد منسجم علمی از ابتدای انقلاب اسلامی، در هر دوره با نگرش‌های گوناگون به تصویب قوانین ماهوی و

۱- نک به: صفاری، علی، سیاست کیفری سخت‌گیرانه یا جدی گرفتن بی‌نظمی‌ها و جرائم خرد؟ دیپاچه در تسامح صفر: سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال جرایم خرد، بهروز جوانمرد، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸.

شکلی کیفری غالباً سخت گیرانه همت گماشته و با گذشت زمان بعضاً دچار واپس گرایی هم گشته است. اما نتایج حاصل از اجرای این سیاست در زمانی نزدیک به سه دهه هم در آمریکا و هم در ایران پس از انقلاب نشان می‌دهد که سیاست تسامح صفر در برابر بزهکاری یک سیاست جنایی نیست، بلکه یک سیاست کنترل پلیسی مبتنی بر حفظ نظم است که بسته به زمان و مکان خاصی برای مدتی محدود می‌تواند پاسخگو باشد بدین معنا که از جنس راهبرد عملی (Practice) است و نه خط مشی کلی (Policy). لذا به فرهنگ سازی و استقرار ارزش‌های جدید منجر نمی‌شود.

معنایی که منظور نگارندگان از راهبرد تسامح صفر در این مقاله بود، ممکن است در زمان‌های خاص و برای مکان‌های خاصی مناسب باشد، اما به احتمال بسیار علاج قطعی و یک نوشدارو نیست. یافته‌ها نشان می‌دهد راهبردهای پلیسی، فرایندی پیچیده است که برخورد خشن و قاطعانه با جرایم خرد، تنها یکی از این راهکارهاست. نگارندگان با تأکید بر اینکه، هر نظریه علمی که در کشورهای اروپایی و آمریکایی به مرحله اجرا در می‌آید و موفقیت‌هایی نیز کسب می‌نماید، لزوماً به معنای تکرار این موفقیت در صورت اجرا در ایران نیست و بایستی در اتخاذ هر گونه سیاست کیفری به شرایط و اوضاع و احوال و واقعیات فعلی جامعه ایرانی توجه گردد، معتقدند راهبرد تسامح صفر برای حکومتی مردم سالار با جامعه‌ای که بستر فرهنگی و اقتصادی سالمی داشته و اکثریت شهروندان امکان رشد و تعالی و کسب منزلت اجتماعی را دارند و نظارت محلی به عنوان یک ضمانت اجرای قوی وجود دارد، به عنوان تضمین امنیت شهروندان قانون مدار، با درگیر کردن کلیه نهادهای دولتی و غیر دولتی مرتبط با حفظ نظم عمومی و اجتماعی قابل پذیرش است.

منابع

فارسی

- آشوری، محمد (۱۳۸۶). جایگاه زندان در سیاست کیفری معاصر، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول بهار، ص ۲۳.
- **بحثی پیرامون توقیف احتیاطی**، مجموعه مقالات عدالت کیفری، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- اسدی، لیلا السادات (زمستان ۱۳۸۴). «بررسی قوانین کیفری ایران در امر پوشش مردم»، مجله ندای صادق، شماره ۴۰، صص ۴۸-۷۴.
- اسلامی، محمدتقی (بهمن ۱۳۸۱). «مبانی تساهل‌گرایی». مجله رواق اندیشه، شماره ۱۴.
- اکبری، حسین (۱۳۷۹). «مطالعه نظری و عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر ایران»، در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال موادمخدر، جلد اول تهران: انتشارات روزنامه رسمی کشور.
- پرادل، ژان (۱۳۸۱). «تاریخ اندیشه‌های کیفری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، چاپ اول.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۸۷). «مطالعه تطبیقی سیاست تسامح صفر در حقوق کیفری ایران و آمریکا»، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، به راهنمایی علی صفاری، دانشگاه شهید بهشتی.
- جوانمرد، بهروز (اسفند ۱۳۸۶). «سیاست کیفری جدید مقنن در رابطه با فعالیت‌های غیر مجاز سمعی و بصری»، مجله تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۱۸.

- جوانمرد، بهروز (۱۳۸۸) تعامل سازمان پلیس و دستگاه قضایی ایران در زمینه پیشگیری از جرایم خرد، مجموعه مقالات همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، تهران، مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری، چاپ اول.
- راعی، مسعود (مهر ۱۳۸۱). «خشونت؛ احکام اسلامی و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، ماهنامه معرفت، سال یازدهم، شماره ۷ (پیاپی ۵۸).
- رضایی، علی (۱۳۸۳) عدم رعایت قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی در بین رانندگان و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر ابعاد فرهنگی، اجتماعی «فصلنامه علمی- کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، پیش شماره سوم.
- صفاری، علی (۱۳۸۸) کیفر شناسی، چاپ چهارم، تهران.
- غلامی، حسین (زمستان ۱۳۸۴). «سیاست کیفری سخت‌گیرانه»، مجله دانش انتظامی، سال ۷، شماره ۴.
- فدایی شهری، غلامرضا (۱۳۸۵). «نقش پلیس مکتبی در کنترل و پیش‌گیری از ناهنجاری‌های اجتماعی»، فصلنامه مطالعات پیش‌گیری از جرم، نشریه دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری انتظامی، سال اول، شماره یکم، صص ۵۶-۷۳.
- فولادی، محمد (بهار ۱۳۷۸). «جامعه مدنی، جامعه دینی، موانع و چالش‌ها»، مجله معرفت، شماره چهارم، سال هفتم.
- فیروزآبادی، ابوظاهر (۱۳۷۹). القاموس المحيط و القابوس الوسیط الجامع لمآذهب من کلام العرب شماطیط، دار احیاء التراث العربی.
- کاشفی اسماعیل زاده، حسن (بهار و تابستان ۱۳۸۴). جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی: علل و جلوه‌ها، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی (الهیات و حقوق) سال پنجم شماره ۱۵-۱۶.
- معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم.

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین و دیگران (۱۳۷۸). «میزگرد مشارکت مردم در تأمین امنیت اجتماعی»، مجله امنیت، سال سوم، شماره ۷ و ۸، دی و بهمن.
- (۱۳۸۴). جرم شناسی سیاست جنایی و تکنیک‌های حقوق کیفری، دوره دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.
- نوروزی، نادر (تابستان ۱۳۸۴). «جرایم خرد علیه نظم عمومی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره شصت و هشت.
- نوروزی، نادر (۱۳۸۴). «سیاست جنایی در جرایم خرد و تأثیر آن بر احساس امنیت شهروندان با تکیه بر نظریه پنجره‌های شکسته»، به راهنمایی: محمد آشوری، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۲). «تعلیق مراقبتی»، پایان نامه (کارشناسی ارشد)، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران.

انگلیسی

- Bratton, William.J.(1998), **Zero Tolerance: Policing a Free Society**, Enlarged and Revised, British Journal of Criminology , Volume 38, No. 2,
- Clear. Todd.R,(2000), **American Corrections**, Wadsworth Publishing Company, fifth Edition, p2431
- Daniels, Deborah J,(2003), **The American Legislative Exchange**, Council's 2002 States & Nation Policy Summit Meeting ,Office of Justice Programs, U.S. Department of Justice, 43pp

- Dixon, David. (2003), **Beyond zero tolerance**, 3rd National Outlook Symposium on Crime in Australia: Mapping the Boundaries of Australia's Criminal Justice System
- Grabosky, P. N. (1999), **Zero Tolerance Policing**, Australian Institute of Criminology, trends & issues in crime and criminal justice. 78pp.
- Harrower, Julie (1998), **Applying Psychology to Crime**, London: Hodder & Stoughton, ISBN 0-340-70556-6
- Inciardi, James A. (1971), **The Use of Parole Prediction with Institutionalized Narcotic Addicts**, Journal of Research in Crime and Delinquency, Vol. 8, No. 1, pp68-83
- Massing, M. (1998), **The blue revolution**. New York Review of Books, Nov. 19, 1998a, Vol. 45, pp.15-34
- McCord, Robert; Hager, James, (2007), **Zero Tolerance: Balancing an Uncertain Expulsion Policy**, National Council of the Professors of Educational Administration, The Connexions Project and licensed under the Creative Commons Attribution License, Version 1, 330pp.
- Taranto, J. (2001). **Zero Tolerance Makes Zero Sense**, The Wall Street Journal, No.18, pp8-23
- Wilson, James Q. & Kelling, George L. (1982), **Broken Windows: The Police and Neighborhood Safety**, Atlantic Monthly Press, vol 249, pp29-38